

فهم‌گذار از قدرت‌آفرینی دانش به قدرت‌آفرینی اشتراک دانش (یک روش کیفی)

محمدباقر علیزاده اقدم^۱، محمد عباس‌زاده^۲، توکل آقایاری هیر^۳، داود قاسم‌زاده^۴

چکیده

تاریخ ارسال: ۹۶/۱۱/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۲

هدف: در دنیای امروز، حوزه معرفت‌شناسی هم دچار تغییر و تحولات اساسی شده است، به نحوی که شاهد گذار از مرحله قدرت‌آفرینی دانش به مرحله قدرت‌آفرینی اشتراک دانش هستیم. بنابراین هدف پژوهش حاضر فهم‌گذار از قدرت‌آفرینی دانش به قدرت‌آفرینی اشتراک دانش از دید دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز است.

روش: در پژوهش حاضر از رویکرد نظریه داده‌بنیاد که یک شیوه پژوهش کیفی است، بهره گرفته شده است و با تعداد بیست نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز به روش نمونه‌گیری هدفمند مصاحبه صورت گرفت. مصاحبه تا اشباع داده‌ها ادامه یافت. تحلیل اطلاعات بلافاصله پس از مصاحبه‌ها بر اساس کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد از نظر دانشجویان چهار مضمون اصلی زمینه‌ساز اشتراک دانش در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی می‌باشند. مضامین فرعی دینداری (اعتقاد و باور دینی، زکات علم، نشر علم) در سرمایه اجتماعی دانشگاهی (اعتماد بین فردی، تشکیل اجتماع علمی)، در ارتقای کیفیت خدمات دانشگاهی (تأمین امکانات و منابع، زیرساخت‌های تکنولوژیکی)، در عوامل انگیزشی (حمایت‌های کلان، حمایت‌های خرد). هر کدام از مضامین اصلی دارای زیرمجموعه‌های فرعی هم بودند. مقوله محوری در این

Aghdam1351@yahoo.com

M.abbaszade2014@gmail.com

aghayarih@yahoo.com

Davood.qasemzade@gmail.com

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز.

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز.

۳. استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز.

۴. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز.

پژوهش مفهوم سرمایه اجتماعی دانشگاهی است. نتیجه: یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد بیشتر پاسخگویان، سرمایه اجتماعی دانشگاهی را زمینه‌ساز اصلی اشتراک دانش می‌دانند. با این حال، تأثیر متغیرهای اقتصادی، فرهنگی و انگیزشی را هم در رابطه با اشتراک دانش باید در نظر گرفت. **کلیدواژه‌ها:** دانش، اشتراک دانش، دینداری، سرمایه اجتماعی دانشگاهی، عوامل انگیزشی.

مقدمه

با ورود به عصر اطلاعات و در سایه پیشرفت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) آنچه بیش از هر چیزی برای سازمان‌ها در حالت کلی و برای دانشگاه‌ها به طور خاص اهمیت روزافزون پیدا کرده است، بحث مدیریت دانش و به تبع آن خلق و تولید دانش در عرصه‌های علمی مختلف و اشتراک‌گذاری یافته‌های جدید با دیگران است. در این میان، دانشگاه‌ها بنا به رسالت تخصصی خود، در فرایند رقابتی تولید و خلق یافته‌های علمی جدید و طرح ایده‌های بدیع، جایگاه و سهم بسزایی در نظام آموزشی هر جامعه دارند. از طرفی هم، بر اساس قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه و طبق مواد فصل دوم یعنی تولید علم و فناوری، بر نقش کلیدی آموزش و پرورش، آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی در رسیدن به یک جامعه دانش‌محور تأکید شده است (فرج‌پهلوی و همکاران، ۱۳۹۴).

در جهان متحول کنونی، به گفته «الوین تافلر» دوره جابجایی قدرت، بحث مدیریت سرمایه فکری و دارایی‌های ناملموس سازمان‌ها پس از طرح موضوعات مهندسی مجدد در دهه ۱۹۸۰ و مدیریت کیفیت در دهه ۱۹۹۰ به طور گسترده‌ای تحولات مدیریت را تحت تأثیر قرار داده است. در این میان، جدیدترین پارادایم مطرح در علوم انسانی و اجتماعی، مدیریت دانش است که اشتراک دانش هم یکی از مؤلفه‌های اساسی آن به شمار می‌رود که به عنوان «فعالیتی نظام‌مند در جهت انتقال و مبادله دانش و تجربه بین اعضای یک گروه یا سازمان با یک هدف مشترک تعریف می‌شود.» (پزند، ۱۳۸۸). در سال‌های اخیر، پژوهش‌ها و مطالعات مختلف نشان داده‌اند که مدیریت دانش نقش حیاتی در

اقتصاد جهانی و اهمیت اساسی برای رقابت در مؤسسه‌های بازرگانی و مراکز آموزشی ایفا می‌کند (سنتوبیلی و همکاران^۱، ۲۰۱۷: ۲). اقتصاد امروز اهمیت دانش و سرمایه فکری را در سازمان‌ها نمایان ساخته است. سازمان‌ها به منظور دستیابی به مزیت‌های رقابتی، دانش مرتبط با شایستگی را پوشش می‌دهند. مدیریت دانش، نوآوری سازمانی را تقویت و نقش مهمی را در موفقیت آن بازی می‌کند (نگاین و همکاران^۲، ۲۰۱۷: ۶۹۲). با اینکه، اشتراک دانش مزایای زیادی دارد، همچنان یکی از مسائل و چالش‌های اصلی برای سازمان‌هاست. موفقیت در پیاده‌سازی اشتراک دانش، به تمایل و اشتیاق فردی به اشتراک‌گذاری بستگی دارد. رفتارهای اشتراک دانش می‌تواند از طریق انگیزه افراد درگیر در این رفتارها ارتقا یابد (باک^۳ و همکاران، ۲۰۰۵). اشتراک و انتقال دانش عوامل مهمی هستند که فرایندهای نوآوری و مزیت‌های رقابتی را تحت تاثیر قرار می‌دهند (واجهالا ووسیتیک^۴، ۲۰۱۳). به طور کلی می‌توان گفت، اشتراک دانش «مبادله دانش بین افراد، گروه‌ها، واحدهای سازمانی و سازمان‌هاست. این مبادله ممکن است متمرکز یا غیرمتمرکز باشد. در این راستا، «بهات»^۵ (۲۰۰۳) چرخه مدیریت دانش را دربرگیرنده فعالیت‌های کسب، ثبت، انتقال، خلق و کاربرد دانش در سازمان می‌داند. کسب دانش شامل مجموعه فعالیت‌هایی است که به منظور کسب دانش جدید از خارج سازمان صورت می‌گیرد. فعالیت‌ها شامل میزان مشارکت اعضا در انجمن‌های علمی و میزان شرکت در دوره‌های آموزشی، همکاری سازمان با دانشگاه‌ها و سایر مراکز علمی است. ثبت دانش دربرگیرنده فعالیت‌هایی مانند استفاده از پایگاه‌های داده برای ثبت دانش سازمانی است. انتقال دانش هم از طریق فعالیت‌هایی مانند جلسه‌های بحث و تبادل

1. Centobelli et al.

2. Nguyen et al.

3. Bock et al.

4. Vajjhala & Vucetic.

5. Bhat.

نظر برای ارائه تجربه‌ها و شیوه‌های کاری و مشارکت و همکاری اعضا صورت می‌گیرد. خلق دانش نیز به واسطه تشکیل گروه‌های یادگیری و بحث آشکار درباره تجارب در سازمان شکل می‌گیرد (الوانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۴).

با مرور آثار اندیشمندان و فلاسفه به راحتی می‌توان به این نکته که دانش یا دانایی مساوی با قدرت و توانایی است، رسید. این پارادایم در آثار اندیشمندانی نظیر نیچه و فوکو به روشنی مشاهده می‌شود. «فردریش نیچه» عقیده داشت دانش، ابزاری در خدمت قدرت است. دانش دوستی یا تمایل به دانستن، بر خود قدرت، یعنی نوع خاصی از انگیزش در یک موجود برای چیرگی بر قلمروی خاص از واقعیت و به خدمت گرفتن آن تکیه دارد. لذا، نیچه این اصل را مطرح کرد که تمامی شکل‌های دانش، برآمده از تأویل و متکی بر خواست سالاری و قدرت هستند. مهم نیست که چیزی حقیقت دارد یا نه؛ مهم این است که چه تأثیری می‌آفریند. «فوکو» با بهره‌گیری از دیدگاه‌های نیچه، رابطه قدرت و دانش را بررسی کرده است (مرادی، ۱۳۹۴: ۱۷۳). ولی آنچه اخیراً مطرح است، نقش تسهیم دانش در تولید قدرت و مواردی از این دست است که به نوعی «نوناکا و تاکه‌چی» بر آن انگشت گذاشته‌اند. در اشتراک دانش، تمرکز بر روی سرمایه انسانی و تعامل‌های میان آنهاست (پالین و سونسون^۱، ۲۰۱۲). در این راستا، «گاتین» (۱۹۹۹) معتقد است اشتراک دانش در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی اهمیت زیادی دارد زیرا اعضای هیئت علمی و دانشجویان در فعالیت‌های خود پیوسته در فرایند خلق، نشر و یادگیری دانش درگیر هستند. با وجود این، کامیابی و موفقیت مؤسسه‌های آموزش عالی اصولاً وابسته به سرمایه فکری استادان و دانشجویان و قابلیت‌های آنان برای رشد و بقا در یک محیط پویاست. بدین منظور، اعضای هیئت علمی و دانشجویان باید نقش در حال تغییر خود را از نگهداشت دانش به تسهیم آن در جامعه دانایی محور بشناسند و به آن پاسخ مناسب دهند. این امر نیازمند درگیر شدن همه آنها و کلیه فراگیران در فرایند

1. Paulin and Suneson.

مدیریت دانش و کوشش برای تغییر پارادایم قبلی «دانش قدرت است» به پارادایم جدید «اشتراک دانش قدرت است» خواهد بود (حسین قلی‌زاده، ۱۳۸۹: ۶۳). اگرچه برخی اعتقاد دارند که دانش قدرت است، به نظر می‌رسد دانش به خودی خود قدرت نیست بلکه چیزی که به افراد قدرت می‌دهد، بخشی از دانش آنهاست که با دیگران به اشتراک می‌گذارند (مک درموت و اودیل^۱، ۲۰۰۱). این پارادایم توسط اندیشمندانی نظیر «نوناکو و تاکه‌چی» (۱۹۹۵) مطرح شده است.

دانشگاه تبریزی یکی از دانشگاه‌های سطح یک کشور و دارای رسالت‌های علمی، آموزشی و پژوهشی است. نظیر دانشگاه‌های دیگر، این دانشگاه در راستای رسالت خود سعی در بسترسازی برای خلق و تولید دانش دارد تا به پیشبرد اهداف و توسعه علم و دانش در سطح ملی و بین‌المللی کمک کند. مسئله اصلی پژوهش حاضر، فهم‌گذار از قدرت‌آفرینی دانش به قدرت‌آفرینی اشتراک دانش از نظر دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز است. اینکه دانشجویان چه تلقی‌ای از اشتراک دانش دارند؟ از نظر آنها عوامل مؤثر بر اشتراک دانش چه هستند؟ پیامدهای اشتراک دانش و راهکارهای پیاده‌سازی آن در دانشگاه از نظر دانشجویان تحصیلات تکمیلی کدام‌ها هستند؟

مبانی نظری

از نظر «دیویس» (۱۹۸۹) ارزش درک شده به فرایندی گفته می‌شود که فرد باور دارد با اتخاذ رفتاری مشخص و یا بهره‌گیری از نظامی خاص، عملکرد فردی و حرفه‌ای او ارتقا می‌یابد. همچنین به معنای میزان شدت گرایش افراد به کسب و شناسایی دانش دیگران برپایه میزان ارزش درک شده از دانش آنان است. مطالعات مرتبط با ارزش درک شده بین ارزش و نگرش رفتاری فرد رابطه مثبت و معناداری را نشان داده‌اند. براین اساس، ارزش درک شده در رابطه با اشتراک دانش می‌تواند مواردی نظیر درک امکان رشد فردی و

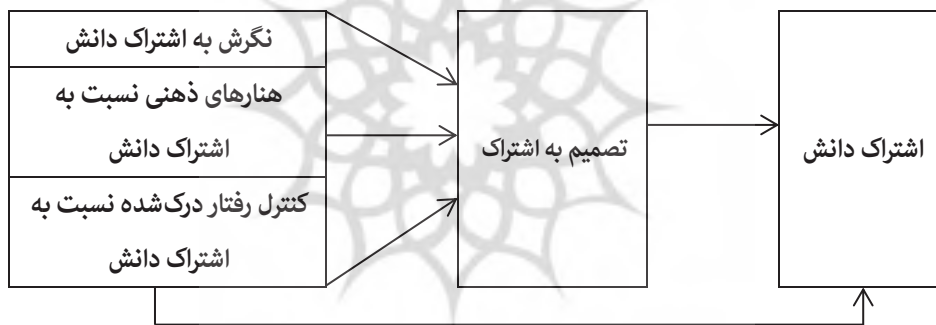
1. McDermott, O'Dell.

حرفه‌ای بهتر، پرداخت هزینه کمتر، کارایی بیشتر، صرف زمان کمتر و دسترسی به گزینه‌های قابل انتخاب بیشتر باشد (کفاشیان کاخکی و همکاران، ۱۳۹۶). پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند قصد و نیت اشتراک دانش عمدتاً تحت تأثیر ارزش‌های روان‌شناختی نظیر اعتبار، احترام و خودارزشمندی است. ارزش‌های روان‌شناختی چند گونه است. نخست، ارزش دانش جدید (نظیر مهارت، روش، ایده و راز موفقیت) که در فرایند اشتراک دانش از مبادله منابع دانش به دست می‌آید. دوم، خودارزشمندی است که به معنای بهبود خودکارآمدی نسبت به رضایت از اشتراک دانش است. همچنین ارزش اجتماعی که دربرگیرنده احترام به همسالان، پایگاه، اعتبار و پرستیژ در فرایند اشتراک دانش است (یو و زو^۱، ۲۰۱۵). در این راستا، «یان و همکاران»^۲ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «رفتار اشتراک دانش در بین اعضای مرکز پژوهش اطلاعات» به این نتیجه رسیده‌اند که محرک‌های درونی و بیرونی به طور معناداری بر قصد و نیت اعضای مرکز به اشتراک دانش، تأثیر دارد. سرمایه شناختی و ارتباطی تأثیر مثبت و معناداری بر میزان اشتراک دانش اعضای مرکز دارد؛ در حالی که سرمایه ساختاری تأثیر مثبت و معناداری بر قصد اشتراک دانش نداشت. قصد و نیت اشتراک دانش اعضای مرکز به طور معناداری با رفتار اشتراک دانش واقعی آنان مرتبط است (یان و همکاران، ۲۰۱۵). «محمودی و همکاران» (۱۳۹۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که میانگین عوامل شناختی - اجتماعی و همچنین رفتار اشتراک دانش و ابعاد آن در میان جامعه پژوهش کمتر از حد مطلوب است. در میان عوامل شناختی - اجتماعی، دیدگاه مشترک بیشترین و اعتماد کمترین میانگین را دارد. براساس مدل برازش شده، متغیرهای اعتماد، دیدگاه مشترک و قوت رابطه بر رفتار اشتراک دانش اعضای هیئت علمی تأثیرگذار هستند (محمودی و همکاران، ۱۳۹۶).

1. Yu & Zhou.

2. Yeon at al.

نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده «آجزن»^۱ چارچوبی را برای مطالعه نیت رفتار دانشجویان و رفتار واقعی اشتراک دانش به وجود می‌آورد. به نظر «اجزن» (۱۹۸۵) رفتار انسان به وسیله سه نوع از باورهای برجسته پیش‌بینی می‌شود: باورهای رفتاری نسبت به نتایج احتمالی یا ویژگی‌های رفتاری، باورهای هنجاری نسبت به انتظارات هنجاری دیگران و باورهای کنترلی نسبت به حضور عواملی که کارایی رفتار را تسهیل یا باز می‌دارد. در کل، باورهای رفتاری، نگرش مطلوب و نامطلوب نسبت به رفتار را به وجود می‌آورد، باورهای هنجاری منجر به فشار اجتماعی درک شده یا هنجارهای ذهنی می‌شود و باورهای کنترلی، کنترل رفتاری درک شده را افزایش می‌دهد (اسکایک و اوسمان ۲، ۲۰۱۵: ۱۶۵). شکل ۱ فرایند تأثیرگذاری نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده بر اشتراک دانش را نشان می‌دهد.



شکل ۱. تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده

بر اساس این نظریه ادعا می‌شود که نظرها و اعتقادهای شخصی فرد بیشتر رفتارهای او را توضیح می‌دهند. در این نظریه، قصد و نیت به مثابه یک عامل کلیدی شناخته می‌شود که معطوف بر عوامل انگیزشی است که روی رفتار تأثیر می‌گذارد. در واقع، نشان می‌دهد که افراد چگونه برانگیخته شده و تلاش می‌کنند تا رفتار را عملی سازند. به عنوان

1. Ajzen.

2. Skaik and Othman.

یک قانون کلی، هر چه انگیزه افراد برای درگیر شدن در رفتار بیشتر باشد، عملکرد نیز بهتر می‌شود. بنابراین، اینکه موفقیت افراد در اجرای رفتار به انگیزش (قصد و نیت) و توانایی (کنترل رفتاری) آنان بستگی دارد، ایده جدیدی نیست. حتی فرض بر این است که انگیزش و توانایی به صورت تعاملی بر موفقیت رفتاری تأثیر می‌گذارند. طبق نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده، انگیزه اساسی افراد در انجام دادن رفتار، تحت تأثیر پیامدهای ناشی از انجام رفتار (نگرش‌های رفتاری)، هنجارهای محیط فعالیت (هنجارهای ذهنی)، فرصت‌ها و منابع لازم برای انجام یک رفتار (ادراک کنترل شده) است (خونیک‌کی در میان و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۶). نظریه ساختار بندی رویکردی است که توسط «آنتونی گیدنز» (۱۹۸۴) مطرح شده است. در این نظریه، روابط اجتماعی در زمان و مکان به عنوان نتایج عملکرد دوگانگی ساختار در نظر گرفته می‌شوند. این نظریه بر وابستگی متقابل عاملیت انسانی و ساختار اجتماعی تأکید دارد. بر این اساس، ساختارهای اجتماعی نباید موانع کنش و سرکوبگر توانایی عامل برای عمل کردن تلقی شوند بلکه به مثابه چیزی باید تلقی شوند که در تولید کنش درگیر هستند. ویژگی ساختاری روابط اجتماعی، وسیله‌ای را به وجود می‌آورد که توسط آن افراد عمل می‌شود. آنها همچنین نتایج آن کنش‌ها هستند. برای تبیین اشتراک دانش با نظریه ساختار بندی، می‌توان گفت تسهیم دانش در بین افراد، رابطه‌ای اجتماعی در بین آنان به وجود می‌آورد، در حالی که رابطه اجتماعی موجود در بین افراد به روش‌هایی که آنان دانش‌شان را به اشتراک می‌گذارند، تأثیرگذار است (بوئر، ۲۰۰۵). «اسکندری و ولوی» (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی موانع و راهکارهای تسهیم دانش در شرکت‌های مستقر در پارک‌های علم و فناوری» به این نتیجه رسیدند که در میان مؤلفه‌های مورد مطالعه با توجه به نقطه برش‌های تعیین شده، عوامل تکنولوژیکی پایین‌تر از متوسط و عوامل فرهنگی، ساختاری و فردی در حد متوسط بودند. لذا در راستای افزایش تسهیم دانش در پارک علم و فناوری، راهکارهایی کاربردی مانند تشویق رفتارهای تسهیم دانش شرکت‌ها، برگزاری کارگاه‌های آموزشی در رابطه با تسهیم دانش و مزایای آن، گرفتن پروژه‌های بزرگ و تقسیم کار تخصصی بین شرکت‌ها، پیشنهاد

گردید (اسکندری و ولوی، ۱۳۹۶).

نظریه مبادله اجتماعی یکی از مدل‌های مورد استفاده در تعامل‌های بین فردی است که رفتار، عاطفه، فرآورده‌ها و ارتباط را دربرمی‌گیرد. رویکرد مبادله اجتماعی ریشه در نظریه «هزینه-فایده» دارد که بسیار شبیه به مبادله اقتصادی است. مبادله اجتماعی مرتبط با هزینه و فایده اجتماعی، ناملموس (نظیر احترام، افتخار، دوستی و مراقبت) است و به واسطه قوانین و قواعد آشکار یا قراردادهای پوشش داده نمی‌شود. مانند مبادله اقتصادی، در مبادله اجتماعی فرض براین است که افراد زمانی در مبادله حضور می‌یابند که انتظار دارند پاداش‌شان از مبادله، هزینه شرکت و حضور در آن را توجیه کند (سود بیشتر از زیان باشد). تفاوت اصلی بین مبادله اجتماعی و اقتصادی در این است که در مبادله اجتماعی هیچ تضمینی وجود ندارد که پاداش‌های متقابل در هزینه‌هایی که سرمایه‌گذاری کرده است، برگشت داده شود. از آنجا که برخلاف مبادله اقتصادی هیچ قانون و قاعده‌ای برای پوشش اطلاعات وجود ندارد، تنها تضمین در مبادله اجتماعی نیت همکاری جویانه طرف مقابل است. برای مثال، باوری که در طرف مقابل برای جبران انتظارها وجود دارد. در حالت کلی، فرایند اشتراک دانش به عنوان فعالیت انسانی در نظریه مبادله، چنین تبیین می‌شود. نخست، اشتراک دانش مجموعه‌ای از مبادله‌هاست. دوم، افراد در گروه‌های واقعی منافع خود را ارزیابی می‌کنند. سوم، موفقیت اشتراک دانش در گروه‌های واقعی در گرو جبران آن است (لین و همکاران^۱، ۲۰۰۴). «بیرانوند و همکاران» (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر تسهیم دانش کتابداران و ارائه مدل پیش‌بینی رفتار آنها» به این نتیجه رسیدند که متغیرهای تبادل اجتماعی و پذیرش فناوری اطلاعات بر تسهیم دانش تأثیر دارند. وجود اعتماد متقابل میان کتابداران و سازمان و ایجاد تفکر ذهنی مثبت در ذهن آنان سبب بهبود ذهنیت آنها نسبت به فعالیت‌ها و پیچیدگی‌های استفاده از سیستم تسهیم دانش

1. Lin et al.

می‌شود (بیرانوند و همکاران، ۱۳۹۶).

بنابراین، می‌توان گفت نظریه مبادله اجتماعی مبتنی بر نظریه انتخاب عقلانی است که بیشتر در سطح خرد مطرح است. به عبارت دیگر، افراد زمانی تصمیم به انجام کنشی می‌گیرند که قبلاً حساب سود و زیان آن را کرده باشند و وقتی که سود و منفعت آن عمل بیشتر از ضرر و زیان آن باشد، تمایل بیشتری به انجام آن عمل نشان می‌دهند. در این میان، متغیر کلیدی اعتماد بین فردی نقش حیاتی دارد؛ یعنی افراد در صورتی که بستر را برای یک رفتار در پژوهش حاضر (اشتراک دانش) مناسب ببینند، انگیزش کافی برای کنشگری در این رفتار را خواهند داشت.

روش

این پژوهش به روش کیفی و با بهره‌گیری از رویکرد داده‌بنیاد، به دنبال فهم عمیق عوامل زمینه‌ساز اشتراک دانش است. «گلیزر و اشتراوس» در دهه ۱۹۶۰ این روش را ارائه کردند. این شیوه بر استفاده از مراحل تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری باز، محوری و گزینشی تأکید دارد. به کاربردن این سه حالت کدگذاری حاکی از آن است که پژوهشگران از طریق معین به تکوین نظریه می‌پردازند (فتحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۲). در این پژوهش از تکنیک مصاحبه عمیق برای جمع‌آوری اطلاعات تا زمان حصول اشباع نظری استفاده شده است. مصاحبه‌ها توسط محقق به صورت حضوری در یک جلسه به مدت پنجاه دقیقه در محل دانشگاه انجام شد. اظهارات مصاحبه‌شونده با استفاده از ضبط صوت، ضبط و پس از اتمام مصاحبه، به صورت لفظ به لفظ پیاده شد. جامعه مورد مطالعه را دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز تشکیل می‌دهند. با توجه به مفروضات اساسی و زیربنایی رویکرد کیفی در پژوهش حاضر، تعداد نمونه قبل از اجرای پژوهش تعیین نشده و فرایند نمونه‌گیری تا زمانی ادامه پیدا کرد که نوعی اشباع اطلاعاتی حاصل شود؛ بدین معنا که در جریان مصاحبه اطلاعاتی جدیدتر از داده‌ها استخراج نگردد. به طور کلی، هدف از انتخاب موردها در پژوهش کیفی، فهم عمیق

پدیده‌های مورد بررسی و در اغلب موارد، کشف نظریه‌هاست، نه تعمیم از نمونه به جامعه. در پژوهش حاضر، براساس روش نمونه‌گیری هدفمند و معیار اشباع نظری، بیست نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی در این مطالعه شرکت کردند. در مطالعه حاضر برای اعتبار و اعتمادبخشی به داده‌ها از قابلیت اعتبار، انتقال‌پذیری، قابلیت اعتماد و قابلیت تأیید استفاده شد. قابلیت اعتبار بدین معناست که ساختار و معنای پدیده مورد نظر تا چه حد به نحو مناسب و مطلوب بازنمایی می‌شود (اسماعیلی و امیدی، ۱۳۹۱: ۱۸۷). به منظور برآورد قابلیت اعتبار پژوهش، از دانشجویان تحصیلات تکمیلی مصاحبه به عمل آمد. برای افزایش معیار انتقال‌پذیری سعی شد به معرفی کامل طرح پژوهش پرداخته شود. به یک معنا، قبل از شروع مصاحبه، مصاحبه‌شوندگان از هدف انجام پژوهش اطلاع یافتند و رضایت خود را از ضبط اظهارات شان اعلام کردند. معیار قابلیت تأیید از طریق بازبینی و بررسی دقیق اطلاعات و بازبینی توسط شرکت‌کنندگان پژوهش به دست آمد.

یافته‌ها

میانگین سنی دانشجویان مورد مطالعه این پژوهش ۲۶ سال و از رشته‌های مختلف دانشگاه تبریز بودند. ۵۰٪ مصاحبه‌شوندگان دانشجوی دختر و ۵۰٪ آنان دانشجوی پسر بودند. مقطع تحصیلی ۷۰٪ مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر دکتری و ۳۰٪ کارشناسی ارشد بودند. در پژوهش حاضر به منظور فهم عمیق اشتراک دانش، مشارکت‌کنندگان به پرسش‌های زیر پاسخ دادند: ۱. تصور شما از اشتراک دانش چیست؟ ۲. به نظر شما چه عواملی در اشتراک دانش تأثیرگذار است؟ ۳. پیامدهای اشتراک دانش به نظر شما چیست؟ ۴. چه راهکارهایی در امر پیاده‌سازی اشتراک دانش در دانشگاه می‌تواند کارساز باشد؟

شایان ذکر است، پرسش‌ها از قبل تعیین نشده بود و در فرایند مصاحبه و به فراخور بحث میان محقق و مصاحبه‌شوندگان شکل می‌گرفت.

جدول ۱. کدگذاری باز، محوری و گزینشی، فراوانی مفاهیم استخراج شده

مضمون اصلی	فراوانی	مضمون فرعی	مفاهیم استخراج شده (فراوانی تکرار)
دینداری	۴۰	اعتقاد و باور فردی	توصیه دین (۵) / زکات العلم نشره (۱۰) / توصیه انبیا و اولیای دین (۴) / تقبیح حبس دانش در دین (۴) / تلقی اشتراک دانش به عنوان فضیلت (۵) / اعتقاد و باور فردی (۸) / اصول اخلاقی فرد (۴)
		زکات علم: نشر علم	
سرمایه اجتماعی دانشگاهی	۱۲۴	اعتماد بین فردی	افزایش دوستی و دل‌بستگی (۴) / جریان متقابل (۴) / کار تیمی و گروهی (۵) / ارتباطات زیاد (۵) / اعتماد بین فردی (۱۲) / امانت‌داری و تعهد (۳) / تکنیک‌های تیم‌سازی (۷) / بده‌بستان‌های علمی (۵) / ارتباط بین گروه‌ها (۷) / برگزاری جلسات هم‌اندیشی (۵) / ایجاد یک اجتماع علمی (۱۰) / گسترش انجمن‌های علمی غیررسمی (۶) / اصول کنشی فرد (۴) / همکاری بین انجمن‌ها (۵) / تشکیل اجتماع علمی (۵) / تقویت سرمایه دانشگاهی (۶) / تقویت شورای دانشگاهی (۴) / تقویت فضای گفتگو و تعامل (۵) / تعامل بین استادان (۴) / ایجاد نگرش‌های همکاری (۲) / تعریف طرح‌های پژوهشی بین‌رشته‌ای (۲) / دانشگاه یادگیرنده (۱) / تقویت احساس هم‌دلی (۳) / تقویت اجتماع علمی (۴) / تقویت سرمایه ارتباطی (۴) / تقویت ارتباطات و تعاملات (۵) / تجارب عمومی اجتماعی (۱)
		تشکیل اجتماع علمی	
ارتقای کیفیت خدمات دانشگاهی	۶۱	امکانات و منابع	تأمین امکانات و منابع (۱۰) / امکانات فیزیکی و فنی (۸) / بسترسازی از سوی دانشگاه (۵) / زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی (۱۲) / بهره‌گیری از امکانات تکنولوژیکی (۹) / استفاده از فضای مجازی (۶) / تأمین فضای فیزیکی لازم (۴) / تهیه کارگاه‌های مجهز (۷)
		زیرساخت‌های تکنولوژیکی	

مضمون اصلی	فراوانی	مضمون فرعی	مفاهیم استخراج شده (فراوانی تکرار)
عوامل انگیزشی	۹۱	حمایت‌های کلان	ارزش‌گذاری از سوی دانشگاه (۹) / محرک‌های تشویقی (۱۴) / پاداش‌های مادی و معنوی (۱۰) / ارج‌گذاری به استادان و دانشجویان (۸) / حمایت‌های دولت (۱۳) / ارائه پاداش‌های مادی (۴) / استفاده از ابزارهای تشویقی (۶) / اختصاص پژوهانه به طرح‌های کاربردی (۵) / تسهیل سفرهای مطالعاتی (۶) / ایجاد انگیزه برای پژوهشگران (۸) / امتیاز به استادان دارای یافته‌های علمی جدید (۸)
		حمایت‌های خرد	

تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق در خصوص قدرت‌آفرینی اشتراک دانش، منجر به استخراج مقولات زیر گردید:

۱. دینداری

بسیاری از مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر دین و توصیه دین اسلام برای نشرو انتقال دانش به دیگران را عامل اصلی اشتراک دانش در دانشگاه می‌دانستند. مضمون اصلی دینداری در دو مؤلفه «اعتقاد و باور دینی» و «زکات علم، نشر علم» طبقه‌بندی شده است.

۱-۱ اعتقاد و باور دینی

در اظهارات برخی از مصاحبه‌شوندگان کاملاً آشکار بود که باورهای دینی دلیل روشنی بر اشتراک دانش از سوی آنهاست. یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های مصاحبه‌شوندگان برای اشتراک دانش، باور دینی فرد بود زیرا بر این اعتقاد بودند که دین اسلام آنها را نسبت به نشر دانش و انتقال آن به دیگران تشویق و ترغیب می‌کند. برای مثال، یکی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی بیان می‌کرد:

«در سطح فردی اعتقاد و باور دینی به اشتراک دانش، از عوامل مهم در ارتباط با این موضوع است.»

۲-۱. زکات علم، نشر علم

برخی از مشارکت‌کنندگان بر این عقیده بودند که هر چیزی زکاتی دارد و زکات علم هم نشر و انتقال آن است. در واقع، تسهیم دانش را فضیلت تلقی می‌کردند که توصیه‌ی اکید دین، روایات و احادیث انبیا و اولیای الهی بوده است. حتی برخی از مصاحبه‌شوندگان قدرت را در اشتراک دانش می‌دیدند. در این رابطه، دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی بیان می‌کرد:

«در نگاه دینی تأکید بر اینکه هرکسی در صورت دارا بودن دانش و اطلاعات باید آن را به دیگری هم انتقال بدهد.» «اگر این کار رو بکنند به نظر می‌رسد که بیشتر از زمان حبس آن می‌تواند در نظر دیگران جایگاه و قدرت پیدا کند.»

یکی از دانشجویان دکتری رشته حقوق در رابطه با حبس دانش بر این باور بود که اصولاً دین اسلام و آنچه که در سیره و زندگی معصومان (ع) می‌بینیم، نشان‌دهنده نشر علم و دانش در ابعاد آشکار و پنهان آن است و چنین بیان می‌کرد:

«اگر سیره زندگانی معصومان (ع) را مطالعه کنیم متوجه می‌شویم که اساساً با حبس و ذخیره علم و دانش مفید مخالف و بر این اعتقاد بودند که علم نافع باید در اختیار دیگران قرار بگیرد تا دیگران هم از آن استفاده کنند.»

دانشجوی دیگری تصریح می‌کرد که:

«وقتی توصیه شده زکات العلم نشره، به نظر می‌رسد که دین هم در آموزه‌های خود به این امر مرفقی تأکید داشته است.»

۲. سرمایه اجتماعی دانشگاهی

یکی از متغیرهای تأثیرگذار در استقرار و پیاده‌سازی اشتراک دانش در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، سرمایه اجتماعی است که با افزایش آن نوعی اعتماد بین فردی در بین دانشجویان به وجود می‌آید و بستر مناسبی برای تسهیم دانش است. مقوله‌های فرعی

زیر هم از مقوله اصلی سرمایه اجتماعی دانشگاهی قابل استخراج است:

۱-۲ اعتماد بین فردی

برخی از مشارکت‌کنندگان اعتماد بین فردی را اساسی‌ترین عامل تأثیرگذار در اشتراک دانش می‌دانستند. بسیاری از مطالعات، اعتماد را از عوامل کلیدی تسهیم دانش در سازمان‌ها و دانشگاه‌ها معرفی کرده‌اند. دانشجوی دکتری اقتصاد هم بر اهمیت اعتماد بین فردی تأکید می‌کرد و بیان می‌داشت:

« بدون وجود اعتماد امر اشتراک دانش میسر نیست. نخست باید اطمینان داشته باشم که دیگران از دانش و اطلاعات من به اسم خود استفاده نمی‌کنند». یکی دیگر از دانشجویان دکتری بیان می‌داشت:

« اعتماد بین شخصی کمک می‌کند که اگر من به همکلاسان خود اعتماد داشته باشم، راحت‌تر بتوانم یافته‌های پژوهشی خود را در اختیار دیگران قرار دهم».

۲-۲ تقویت سرمایه دانشگاهی

برخی از مشارکت‌کنندگان تقویت سرمایه دانشگاهی را بهترین راهکار اشتراک دانش در دانشگاه‌ها می‌دانستند. یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت:

« راهکار بهتر به نظر من تقویت سرمایه‌های دانشگاهی است. از طریق تقویت ارتباطات و تعاملات استادان و ایجاد بستری اعتماد در بین آنها، تمایل به اشتراک دانش افزایش می‌یابد».

یکی از دانشجویان دکتری بیان می‌کند:

« به نظر من همکاران هم‌رشته دائم باید با یکدیگر در تعامل باشند. باید این نگرش به وجود آید که همه چیز را همگان دانند و یک نفر همه چیزدان نیست. به همین خاطر، باید تعامل‌های سازنده‌ای بین استادان وجود داشته باشد».

یکی دیگر از دانشجویان مقطع دکتری، یکی از پیامدهای مثبت اشتراک دانش را بازتولید تعاملات اجتماعی استادان می‌دانست و تصریح می‌کرد:

«در اشتراک دانش، تعامل‌های اجتماعی استادان بازتولید می‌شود، مسائل و پدیده‌های مختلف بهتر تبیین می‌شود و شناخت جامع‌تری از آنها به دست می‌آید».

۲-۲ تشکیل اجتماع علمی

نزدیک به ۵۰٪ مشارکت‌کنندگان، تشکیل اجتماع علمی را از عوامل و راهکارهای اصلی و مؤثر در اشتراک دانش می‌دانستند و برگزاری جلسات هم‌اندیشی، گسترش انجمن‌های علمی غیررسمی، همکاری بین انجمن‌ها، تجارب عمومی اجتماعی و ارتباط بین گروه‌ها تأکید می‌کردند.

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم اجتماعی بیان می‌کرد:

«اگر در داخل یک جامعه علمی بیاییم یک اجتماع کوچک علمی ایجاد کنیم؛ مثلاً در داخل یک دانشگاه بزرگ یک انجمن علمی کوچک داشته باشیم، این انجمن‌ها دقیقاً می‌توانند بر اشتراک دانش و یافته‌های علمی نظارت داشته باشند».

یکی از دانشجویان دکتری هم فعال‌سازی انجمن‌های علمی را از راهکارهای مؤثر در تسهیم دانش می‌دانست و بیان می‌کرد:

«فعال کردن انجمن‌های علمی و برگزاری دوره‌های مرور یافته‌های پژوهشی جدید می‌تواند در این زمینه خیلی مؤثر باشد».

یکی از دانشجویان دکترای دانشگاه تبریز درباره اشتراک دانش اظهار داشت:

«انجمن‌های علمی با برگزاری نشست‌های علمی تخصصی، حلقه‌های مطالعه مقالات و پژوهش‌های جدید و استخراج یافته‌های علمی بدیع و ارائه آن به اعضای انجمن می‌توانند در اشتراک دانش مؤثر باشند».

۳. ارتقای کیفیت خدمات دانشگاهی

بنا به اظهارات ۲۰٪ از مشارکت‌کنندگان، عامل زیرساخت‌ها در ارتباط با اشتراک دانش اهمیت فراوانی دارد. این زیرساخت‌ها دربرگیرنده منابع و امکانات، امکانات فنی، بهره‌گیری از امکانات تکنولوژیکی و... است.

۳-۱ تأمین امکانات و منابع

به باور برخی از مشارکت‌کنندگان دانشگاه‌ها برای کمک به اشتراک دانش باید امکانات فیزیکی و فنی و فضاهای لازم را بسترسازی و تأمین کنند. یکی از دانشجویان کارشناسی ارشد رشته عمران براین باور بود که:

« اگر دانشگاه بتواند امکاناتی از قبیل اتصال به پایگاه‌های اطلاعاتی دنیا و تجهیزات کارگاه‌ها و کلاس‌ها را تأمین و تهیه کند، گام‌های مؤثری در این زمینه برداشته است.»

دانشجوی دکتری رشته برق هم در این خصوص اظهار می‌کرد:

« با قراردادن امکانات لازم در اختیار دانشجویان تحصیلات تکمیلی، دانشگاه می‌تواند در مسیر تولید و خلق یافته‌های جدید دانشجویان مؤثر باشد. برای مثال، فراهم ساختن مواد لازم برای برخی از پژوهش‌های کاربردی رشته‌های فنی و علوم پایه و کمک به چاپ و نشر رساله‌های کاربردی و دارای یافته‌های علمی در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی می‌تواند مساعدت بکند.»

۳-۲ زیرساخت‌های تکنولوژیکی

یکی از راهبردهای مدیریت دانش، اشتراک دانش است که با فناوری اطلاعات همبسته و نزدیک است. برای مثال، شرکت‌ها و سازمان‌ها می‌توانند صفحات وب پیشرفته‌ای برای اشتراک‌گذاری دانش به وجود آورند.

یکی از دانشجویان دکتری برنامه‌ریزی شهری با بیان اینکه ابزار و امکانات تکنولوژیکی در دنیای امروز با سرعت زیادی در حال تغییر و تحول است، گفت:

« اگر کلاس‌های درس دانشگاه به سیستم‌های پروژکتور مجهز باشند، دانشجویان و استادان بهتر می‌توانند یافته‌های علمی و اطلاعات جدید خود را در اختیار دیگران قرار دهند».

دانشجوی ارشد رشته مکانیک دانشگاه تبریز، زیرساخت‌های فناوری را یکی از عوامل تسهیل‌کننده اشتراک دانش می‌دانست و می‌گفت:
«دانشگاه‌ها هم باید امکانات فنی و فضای آموزشی خوب و هم زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی را تجهیز و تسهیل کنند».

۴. عوامل انگیزشی

یکی از راهکارهای اساسی برای اشتراک دانش در دانشگاه‌ها عوامل مرتبط با محرک‌های تشویقی و پاداش‌های مادی و معنوی بود که از اظهارات مشارکت‌کنندگان استخراج شده است. مضامین فرعی مستخرج از مضمون اصلی در مقوله حمایت‌های کلان و خرد طبقه‌بندی شده‌اند.

۴-۱ حمایت‌های کلان

حمایت‌های سطح کلان، چه از سوی دولت و چه از سوی دانشگاه، از عوامل مؤثر بر اشتراک دانش است. «فیلیپس و برهن»^۱ (۱۹۹۷) حمایت اجتماعی اطلاعاتی را به دست آوردن اطلاعات ضروری از طریق تعامل‌های اجتماعی با دیگران تعریف کرده‌اند. به عبارت دیگر، حمایت اطلاعاتی شامل ارائه توصیه‌ها، جهت‌گیری‌ها، پیشنهادها یا بازخوردها به یک فرد نسبت به چگونگی عملکرد اوست.

یکی از دانشجویان دکترای اقتصاد بر این باور بود که:

«در سطح کلان، حمایت‌های دولت به طرز مختلف می‌تواند فرصت‌های زیادی

1. Brehen & Philips.

را برای به اشتراک‌گذاری دانش و یافته‌های جدید دانشجویان فراهم کند؛ از دادن پاداش‌های مادی به یافته‌های جدید تا فراهم ساختن فرصت‌های مطالعاتی داخل و خارج».

دانشجوی دکترای برنامه‌ریزی شهری به‌نوعی اظهار می‌دارد:

«در سطح کلان باید به کارهای گروهی و تیمی ارجح داده و این امر در دانشجویان نهادینه شود؛ یعنی از طرح‌های گروهی و تیمی بیشتر حمایت شود».

۲-۴ حمایت‌های خرد

بسیاری از مشارکت‌کنندگان حمایت‌های خرد همچون استفاده از ابزارهای تشویقی، محرک‌های تشویقی، پاداش‌های مادی و معنوی را از راهکارهای مؤثر در اشتراک دانش می‌دانستند. دانشجوی دکترای رشته جامعه‌شناسی در ارتباط با راهکارهای پیاده‌سازی اشتراک دانش چنین می‌گفت:

«یک راه که می‌تواند خیلی تأثیرگذار باشد و به‌نظرم یک راهکار می‌تواند باشد این است که تشویق‌های مادی را در دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها زیاد کنند. این می‌تواند از طریق برگزاری مسابقات ارائه یافته‌های علمی جدید و خلاقیت و پویایی در درون دانشگاه‌ها باشد».

یکی از دانشجویان دکترای جامعه‌شناسی، در این رابطه چنین می‌گوید:

«در گروه‌های علمی واقعا باید برای دانشجویانی که یافته‌های علمی جدید ارائه می‌دهند، امتیازهای خاصی قائل شوند که آنها هم متوجه این امتیاز باشند». نتایج به دست آمده از مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر نشان می‌دهد عوامل زمینه‌ساز اشتراک دانش تک‌علتی نیست و عوامل متعددی در استقرار و پیاده‌سازی اشتراک دانش در دانشگاه‌ها تأثیرگذار است. آنچه از فحوای مصاحبه‌ها حاصل می‌شود این است که متغیرهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنولوژیکی در بسترسازی اشتراک دانش نقش دارند. مقوله اصلی و محوری حاصل از مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان سرمایه اجتماعی دانشگاهی است. سرمایه اجتماعی دانشگاهی، هم در سطح خرد و هم در سطح کلان، از

طریق اعتماد بین شخصی و نهادی، نقش تعیین‌کننده‌ای را در اشتراک دانش دانشجویان تحصیلات تکمیلی بازی می‌کند. در واقع، سرمایه اجتماعی به واسطه ایجاد تعامل‌های سازنده و بسترسازی ارتباطات بین دانشکده‌ای دانشجویان، تقویت و فعال‌سازی انجمن‌های علمی و کانون‌های گفتگو و مباحثه، بستر تولید و تسهیم دانش را فراهم می‌سازد. بر مبنای نتایج این پژوهش، مدل تحلیلی در شکل ۲ استخراج شده که نشان‌دهنده عوامل زمینه‌ساز اشتراک دانش است.





شکل ۲. مدل تحلیلی شرایط علمی؛ راهکارها و پیامدها

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به دنبال فهم‌گذاری است که در عرصه جامعه‌شناسی معرفت رخ داده است؛ گذار از قدرت‌آفرینی دانش به قدرت‌آفرینی اشتراک دانش. تقویت سرمایه اجتماعی دانشگاهی برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی به عنوان مقوله اصلی و محوری در تمایل به اشتراک دانش است. یکی از قابلیت‌های مهم سازمانی که می‌تواند به سازمان‌ها در خلق و اشتراک دانش کمک بزرگی بکند و برای آنها در مقایسه با سازمان‌های دیگر مزیت سازمانی پایدار ایجاد کند، وجود سرمایه اجتماعی است (درویش و همکاران، ۱۳۸۸: ۲). «پوتنام و گوس»^۱ بر این باورند که مفهوم سرمایه اجتماعی اشاره به پیوندها و ارتباط‌های میان اعضای یک شبکه به عنوان منبعی با ارزش است که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل، موجب تحقق اهداف اعضا می‌شود. «ویلانوا و جوسا» سرمایه اجتماعی را دارای هفت مؤلفه اعتماد (هنجارها)، ارزش‌های مشترک، روابط، همکاری، تعهد متقابل، فهم متقابل و شبکه‌ها می‌دانند. بنابراین، سرمایه اجتماعی می‌تواند در سازمان‌ها و دانشگاه‌ها با خلق فرصت‌ها و موقعیت‌های رقابتی، موجب بروز عملکرد نوآورانه شود. به یک معنا، با افزایش سرمایه اجتماعی، نوعی تلاقی افکار و ایده‌ها و همچنین اعتماد همه‌جانبه به وجود می‌آید که به نوبه خود به تولید و تسهیم دانش کمک می‌کند (ایبلی و زارع خلیلی، ۱۳۹۲: ۱۳۴).

یکی از مضامین فرعی استخراج شده، اعتماد بین فردی است که به باور بسیاری از مشارکت‌کنندگان، یکی از عوامل مؤثر بر اشتراک و انتقال دانش است. اعتماد اجتماعی به عنوان متغیر کلیدی در تأثیرگذاری بر اشتراک دانش عمل می‌کند. زمانی که افراد به همدیگر اعتماد می‌کنند، نسبت به اطلاعات یا منابع فردی اقدام می‌کنند. اعتماد اجتماعی به این جهت مهم است که فضای ضروری برای نگهداشت مبادله اجتماعی در اجتماعات واقعی را پدید می‌آورد. اعتماد، زندگی اجتماعی قابل پیش‌بینی را به وجود

1. Putnam & Goss.

می‌آورد، آگاهی اجتماعی را ایجاد و آن را برای کارکردن افراد با همدیگر میسر می‌سازد. بر اساس رویکرد مبادله اجتماعی، اعتماد دو نوع است: عاطفی و شناختی. اعتماد احساسی مبتنی بر روابط احساسی و اعتماد شناختی مبتنی بر منطق شناختی است. هماهنگی اعتماد و رفتار بین اعضا، پیش شرط مؤثری برای اشتراک به وجود می‌آورد که می‌تواند به واسطه قرارداد تکراری تقویت شود و بهبود یابد. «لین و بچمن»^۱ (۱۹۹۸) بر اعتماد به عنوان یک خاصیت مطلوب، به خصوص در کسب و کارهای دانش بنیان تأکید کرده‌اند و معتقدند بسیاری از پیچیدگی‌ها و عدم اطمینان‌ها در محیط کار بدون وجود اعتماد بین فردی و درون سازمانی نمی‌تواند مدیریت شود. اعتماد بین فردی عاملی مهم و مرتبط با تسهیم دانش تلقی می‌شود. «نلسون و کوپرایدر»^۲ (۱۹۹۶) بر این باورند که اعتماد مقدم بر اشتراک دانش است و یک رابطه علی را ترسیم کرده بودند. وقتی اعتماد وجود دارد، افراد تمایل زیادی برای انتقال اطلاعات مفید دارند (مک نیش و سینگ مان^۳، ۲۰۱۰). اشتراک دانش به صورت گسترده در زندگی روزمره وجود دارد و بر اساس اعتماد متقابل تداوم می‌یابد. اگرچه، زمانی که اطلاعات و دانش به عنوان یک دارایی ارزشمند تلقی شود، حبس و نگهداشت اطلاعات هم اهمیت خواهد داشت (چن و کو، ۲۰۱۷). نظریه مبادله اجتماعی هم مؤید اظهارات مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر است، به نحوی که بر اساس این نظریه، درک مورد اعتماد واقع شدن توسط گیرنده دانش، انگیزه وی برای تشریح دانش با این فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع، بسیاری از مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر، تقویت ارتباطات و تعاملات میان استادان، تقویت فضای گفتگو، اعتماد بین فردی، ایجاد یک اجتماع علمی و تقویت سرمایه اجتماعی دانشگاهی را راهکاری مؤثر برای پیاده‌سازی اشتراک دانش می‌دانستند.

1. Lane and Bachmann.

2. Nelson & coprider.

3. McNeish & Singh Mann.

یکی دیگر از مضمون‌های اصلی «دینداری» است. برخی از مشارکت‌کنندگان بحث‌های دینی و اعتقادات مذهبی را از عوامل اصلی تأثیرگذار در اشتراک دانش می‌دانستند و حتی اشاره می‌کردند که اشتراک دانش از نظر دینی، فضیلت تلقی می‌شود. از آنجا که در دین اسلام حبس دانش تقبیح شده است، نشر و انتقال آن مفید و سودمند است. این مضمون با یافته‌ی مطالعه‌ی «مالاسی و آیین» (۲۰۱۵) همسوست که استدلال می‌کنند یکی از مهم‌ترین عواملی که افراد را برای اشتراک‌گذاری دانش تشویق می‌کند، باورهای شخصی و اعتقادات دینی است. در این میان، یکی از مضمون‌های فرعی که از فحوای اظهارات دانشجویان تحصیلات تکمیلی حاصل شد، این بود که آنها با اشاره به حدیث «زکات‌العلم نشره»^۱ برای باور بودند که زکات علم در گرو انتقال و اشتراک‌گذاری آن با دیگران است.

ارتقای کیفیت خدمات دانشگاهی هم یکی از مضامین اصلی در زمینه‌سازی اشتراک دانش است که در فحوای اظهارات بسیاری از مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر وجود داشت. در این راستا، «بولینگرو همکاران» (۲۰۰۱) استدلال می‌کنند تکنیک‌ها و فناوری اطلاعات بسیاری وجود دارد که از آنها برای مدیریت دانش استفاده می‌شود. اصولاً برخی از سازمان‌ها با تسخیر دانش صریح، در ارتباط می‌باشند و دیگران سعی دارند تا دانش ضمنی را از طریق استفاده از فناوری‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و پایگاه‌های اطلاعاتی جمع‌آوری کنند (عبدی، ۱۳۸۸: ۷۳). بورس (۲۰۰۳) فناوری اطلاعات، جستجو کردن، ذخیره، دستکاری و اشتراک حجم وسیعی از اطلاعات به اندازه تبدیل داده به اطلاعات با حداقل زمان و محدودیت مکانی را فراهم می‌سازد (حیدر نقوی و همکاران^۱، ۲۰۱۲). یکی از مؤلفه‌های اصلی که به عنوان راهکاری برای اشتراک دانش در دانشگاه‌ها از زبان دانشجویان تحصیلات تکمیلی به آن اشاره می‌شد،

1. HaiderNaqvi et al.

عوامل انگیزشی بود. که در این رابطه، مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که حمایت‌ها در سطح کلان و خرد تأثیرگذار هستند. آنها استدلال می‌کردند که «حمایت‌های دولت» و «ارج نهادن بر یافته‌های جدید توسط دانشجویان از سوی دانشگاه‌ها» می‌تواند راهکاری اساسی در این ارتباط باشد. در سطح خرد هم به محرک‌های تشویقی و پاداش‌های مادی و معنوی اشاره می‌کردند. نظریه «گیدنز» و نظریه مبادله اجتماعی «هومنز» مؤیدی قوی بر این اظهارات است. به باور گیدنز^۱ کنشگران، انگیزش‌هایی برای کنش دارند و این انگیزش‌ها دربرگیرنده خواست‌ها و آرزوهایی‌اند که کنش را برمی‌انگیزند. به نظریه، بیشتر کنش‌ها مستقیماً برانگیخته نمی‌شوند. با آنکه چنین کنش‌هایی برانگیخته نمی‌شوند و انگیزش‌های ما عموماً ناآگاهانه‌اند، اما باز باید گفت که انگیزش‌ها نقش مهمی در کردار بشر دارند (ریتزر، ۱۳۸۴).

برآیند حاصل از پژوهش حاضر بر این امر صحت می‌گذارد که مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی زمینه‌ساز اشتراک دانش در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی هستند و هرگونه تبیین تک‌علیتی از آن، ناقص و ناکافی خواهد بود. در پژوهش حاضر، سرمایه اجتماعی دانشگاهی مقوله هسته‌ای است که در فرایند اشتراک دانش در جریان است. سرمایه اجتماعی دانشگاهی هم از طریق ایجاد تعاملات بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی به واسطه تشکیل انجمن‌های علمی دانشجویی و حلقه‌های معرفتی و هم از طریق اعتمادآفرینی نسبت به ارائه یافته‌های علمی به همکلاسان و دوستان، مبنای بهتری را برای استقرار و پیاده‌سازی سیستم اشتراک دانش در دانشگاه به وجود می‌آورد.

1. Giddens.

منابع

- ایبلی، خدایار و زارع خلیلی، مجتبی (۱۳۹۲). «رابطه بین سرمایه اجتماعی سازمانی با مدیریت دانش در یک شرکت بیمه دولتی»، پژوهشنامه بیمه، س ۲۸، ش ۲، ۱۲۹-۱۵۲.
- اسماعیلی، رضا و امیدی، مهدی (۱۳۹۱). «بررسی تجربه حاشیه‌نشینی از دیدگاه حاشیه‌نشینان: یک مطالعه پدیدارشناسانه»، فصلنامه مطالعات شهری، س ۲، ش ۳، ۱۷۹-۲۰۸.
- الوانی، سیدمهدی؛ ناطق، تهمینه و فراخی، محمدمهدی (۱۳۸۶). «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه مدیریت دانش سازمانی»، فصلنامه علوم مدیریت ایران، س ۲، ش ۵، ۳۵-۷۰.
- اسکندری، فاطمه و ولوی، پروانه (۱۳۹۶). «بررسی موانع موانع و راه‌کارهای تسهیم دانش در شرکت‌های مستقر در پارک‌های علم و فناوری»، فصلنامه مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، س ۹، ش ۲ (پیاپی ۲۰)، ۵۹-۸۶.
- بیرانوند، علی؛ شعبانی، احمد و مرتضی محمدی استانی (۱۳۹۶). «بررسی عوامل مؤثر بر تسهیم دانش کتابداران و ارائه مدل پیش‌بینی رفتار آنها (مورد مطالعه: کتابخانه‌های عمومی استان فارس)»، فصلنامه مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، س ۹، ش ۱ (پیاپی ۱۹)، ۳۹-۶۰.
- پرنودی، منصور (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی با فرایند تسهیم دانش در بین دبیران متوسطه شهر سنندج، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی، دانشکده علوم انسانی و تربیت بدنی، دانشگاه تبریز.
- خونیکی درمیان، طیبه؛ حسین‌قلی‌زاده، رضوان و کارشکی، حسین (۱۳۹۵). «نقش واسطه‌انگیزش، نگرش و هنجارهای ذهنی در رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی و رفتار اشتراک دانش دبیران دوره دوم متوسطه»، فصلنامه تعلیم و تربیت، ش ۱۲۳، ۱۳۵-۱۵۴.
- درویش، حسن؛ امیرخانی، امیرحسین و نیک‌بخش، رامنا (۱۳۸۸). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با به اشتراک‌گذاری دانش: مطالعه موردی، نخستین کنفرانس بین‌المللی مدیریت سرمایه فکری»، زنجان، دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان.
- فتحی، منصور؛ فکرازاد، حسین؛ غفاری، غلامرضا و بوالهیری، جعفر (۱۳۹۲). «عوامل زمینه‌ساز بی‌وفایی زناشویی زنان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۱۳، ش ۵۱، ۱۳۷-۱۰۹.
- فرح‌پهلوی، عبدالحسین؛ سلیمان‌پور قزاقلو، سمیرا و حیدری، غلامرضا (۱۳۹۴). «اشتراک دانش و عوامل مؤثر بر آن در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز در سال تحصیلی ۹۳-۹۴»، مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، ش ۱۸، ۱۹-۴۴.
- محمودی، حسن؛ فتاحی، رحمت‌الله؛ نوکاربیزی، محسن و دینانی، محمدحسین (۱۳۹۶). «بررسی تأثیر عوامل شناختی-اجتماعی بر رفتار اشتراک دانش در جامعه دانشگاهی»، فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوره ۲۰، ش ۲ (پیاپی ۷۸)، ۷۶-۱۰۷.
- Bock, G. W., Zmud, R. W., Kim, Y. G. & Lee, J. N. (2005). Behavioral intention formation in knowledge sharing: Examining the roles of extrinsic motivators, social-psychological forces, and organizational climate. *MIS quarterly*, 2, 87-

111.

- Bures, Vladimír (2003). Cultural Barriers in Knowledge Sharing, E+M Economics and Management, *Liberec*,6, special issue, pp.57-62, 2003, ISSN 1212-3609.
- Boer, Niels Ingvær(2005). Knowledge Sharing within Organizations A situated and relational Perspective, Erasmus Research Institute of Management (ERIM) RSM Erasmus University / Erasmus School of Economics Erasmus University Rotterdam, <http://www.irim.eur.nl>.
- Chen, Peng-Ting, Kuo, Shu-chen (2017). Innovation resistance and strategic implications of enterprise social media websites in Taiwan through knowledge sharing perspective, *Technological Forecasting & social change*, 1-15.
- Centobelli, Piera, Cerchione, Roberto, Esposito, Emilio (2017), Knowledge management in Startups: Systematic literature Review and future research Agenda, *sustainability*, 9(3); 1-19.
- HaiderNaqvimran, Kanwal Bilal, Usman Yusuf ,Muhammad and Simm ,David (2012). Religious Perspective in Knowledge Management Rationalizes Business, *World Applied Sciences Journal* 19 (2): 223-228.
- Jinyang, Li (2013). Knowledge sharing in virtual Communities: A social exchange Theory Perspective, *Journal of Industrial Engineering and Management*, 8(1): 170-183.
- Paulin, D and Suneson, K.(2012). “Knowledge Transfer, Knowledge Sharing and Knowledge Barriers – Three Blurry Terms in KM” *The Electronic Journal of Knowledge Management*, 10(1).
- McDermott R, O'Dell C (2001). Overcoming culture barriers to sharing knowledge, *Journal of Knowledge Management*; 5(1): 76-85.
- Lin, Tung-ching, Chen, Hsing Kenny, Wu, Sheng (2004). To share knowledge or not to share: A social Exchange Theory Perspective of Virtual team Member Behavior, *Proceeding of the second Workshop on Knowledge economy and electronic Commerce*, 5(2), 317-325.
- McNeish, Joanne , Singh Mann, Inder Jit (2010). Knowledge Sharing and Trust in Organizations, *The 20 IUP Journal of Knowledge Management*,5(1 & 2); 18-30.
- Mallasi, Hisham, Ainin, Sulaiman(2015). Investigating Knowledge sharing Behaviour in Academic Environment, *Journal of Organizational Knowledge Management*, 1-20. DOI,64,3253.
- Nuyen,Linh, Thi Phuong, Hai Do, Huu, Tuan Nham, Phong, Hai Nuyen, Minh, Mai Nguyen, Thi Tuyet (2017), Knowledge sharing behavior in Vietnam Telecommunication Companies, *International Business Management* 11(3); 692-702.
- Skaik, Alami, Huda, Roslina, Othman (2015). Investigating Academics' Knowledge Sharing Behaviour in United Arab Emirates, *Journal of Business and Economics* 6 (1);161-178.
- The, P. L., & Yong, C. C (2010). Knowledge sharing in IS personnel: Organizational behaviors Perspective, *Journal of Computer Information systems*,

51(2), 10-19.

- Vajjhala, Narasimha Rao, Vucetic, Jelena (2013). Key Barriers to Knowledge Sharing in Medium-Sized Enterprises in Transition Economies, *International Journal of Business and Social Science*, 4(13).
- Yu, Dengke, Zhou, Rong (2015). Tacit Knowledge Modes of University Teachers From the Perspectives of Psychological Risk and Value, *International Journal of Higher Education*, 4(2), 214-223.
- Yeon, Kyeong Nam, Wong, Siew Fan, Chang, Younghoon, Park, Myeong-Cheol (2015), Knowledge sharing behavior among community member in Professional research information center, *Information development*, 5(3), 1-18.

